

قالب‌های معنایی «خوردن» از منظر معناشناسی قالبی

اکبر حسابی^۱
دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۶

چکیده

در این پژوهش به بررسی فعل خوردن از منظر معناشناسی قالبی پرداخته شده است. در این پژوهش که پژوهشی توصیفی است، ابتدا با استفاده از چند منبع، افعال هم‌معنا با خوردن استخراج شد و تفاوت‌های آنها مورد بررسی قرار گرفت. سپس با استفاده از منابع متعددی، مانند پیکره همشهری، کتاب‌های الکترونیکی، وبلاگ‌ها و منابع قابل جستجو با رایانه و جملات ثبت‌شده توسط دانشجویان از محاوره‌های روزانه، رخداد‌های مختلف خوردن استخراج شد و از منظر معناشناسی قالبی مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر بودیم: چه تفاوتی بین فعل‌های مختلفی که به انواع مختلف خوردن اشاره می‌کنند وجود دارد؟ قالب‌های معنایی مختلف فعل خوردن چیست؟ آیا این قالب‌ها برای تبیین معنایی باهم‌آیی‌های شامل این فعل قابل استفاده‌اند؟ نتایج نشان داد تفاوت‌های نحوی، معنایی و کاربردشناختی، افعال هم‌معنا با خوردن را از هم متمایز می‌کند. واکاو رخداد‌های فعل خوردن به یافتن ۲۶ قالب معنایی برای این فعل منجر شد که برخی قابل دسته‌بندی و قرارگرفتن زیر چتر قالب‌هایی کلی‌تر مانند قالب‌های هماهنگی و هم‌زمانی، در تماس قرارگرفتن و نابودی بودند. با استفاده از قالب‌های معنایی یافته‌شده و برخی از ویژگی‌های معنایی این قالب‌ها، چگونگی شکل‌گیری برخی از باهم‌آیی‌های شامل خوردن تبیین شد.

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی واژگانی، معناشناسی قالبی، خوردن، هم‌معنایی.

۱- مقدمه

هم‌معنایی^۱، هم‌نامی^۲ و چندمعنایی^۳ از جمله پدیده‌هایی بوده و هستند که ذهن زبان‌شناسان، به‌خصوص معناشناسان، را به خود مشغول کرده‌اند. در این میان، درباره‌ی هم‌معنایی نکته‌ی قابل بررسی این است که چرا واژه‌ها، با وجود معانی مشابه ظاهری، به حضور خود در زبان ادامه می‌دهند. توجیه این ادامه‌ی بقا، وجود مشابهت ظاهری است اما در واقع تفاوت‌های قابل توجهی بین واژه‌های هم‌معنا وجود دارد. اما تفاوت‌های بین واژه‌های هم‌نام و همچنین چندمعنا نیز مسئله‌ی دیگری است که نیاز به تبیین دارد و با وجود تشابه ظاهری، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین این واژه‌ها وجود دارد. لازم به ذکر است که گاهی همه‌ی این واژه‌ها با عناوین مختلف زیر عنوان چندمعنایی آورده می‌شوند.

در ساخت وردنت‌ها که از جمله منابع ارزشمند در پردازش زبان طبیعی هستند (حسابی، ۱۳۹۴) از مجموعه‌ی واژه‌های هم‌معنا با عنوان دسته‌های هم‌معنا که عبارتند از واژه‌هایی که قابل جانیشینی در بافتی مشابه هستند (میلر، ۱۹۹۸) استفاده می‌شود، برای مثال اسامی {ماشین، خودرو، اتومبیل، وسیله} و یا افعال {خوردن، میل کردن، صرف کردن} دسته‌های هم‌معنا را تشکیل می‌دهند و به تفاوت‌های کاربردشناختی آنها توجه لازم نمی‌شود که شاید ناشی از منظری کاهنده^۴ است که سازندگان وردنت اتخاذ کرده‌اند تا بتوانند، با ساده‌سازی مسئله، آن را عملیاتی و اجرایی کنند، هرچند مسلماً آنها به پیچیدگی‌های زبانی وقوف داشته‌اند. اما دیدگاهی که سعی کرد تا به تبیین این تفاوت‌ها به‌صورتی نظام‌مند بپردازد، دیدگاه معناشناسی قالبی یا چارچوبی^۵ است که توسط فیلمور^۶ (۱۹۸۲) ارائه شد. پس از موفقیت به‌لحاظ نظری در تبیین نکات بیان‌شده در بالا، فیلمور و همکارانش، با توجه به حجم بالای داده‌های مربوط به قالب‌ها، سعی کردند تا روشی ارائه کنند که این داده‌ها قابل نمایش و بهره‌برداری شوند. بدین دلیل ناگزیر از استفاده از ابزارهای نوین، یعنی رایانه‌ها، برای ذخیره و نمایش حجم وسیع داده‌ها شدند که منجر به ایجاد شبکه قالب‌ها^۷ شد.

-
1. synonymy
 2. homonymy
 3. polysemy
 4. reductionist
 5. frame semantics
 6. C. J. Fillmore
 7. FrameNet

از جمله پژوهش‌هایی که پیش از این به بررسی ابعادی از زبان فارسی با رویکرد شناختی پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش‌های فیاضی (۱۳۸۸) و فیاضی و همکاران (۱۳۸۷) و عموزاده و سلطانی (۱۳۹۱) که به بررسی چندمعنایی با رویکردی شناختی و با استفاده از مفهوم استعاره پرداخته‌اند و عموزاده و بهرامی (۱۳۹۱) که به بررسی ساخت افعال سبک با کمک سازوکار طرح‌واره و براساس زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند اشاره کرد. گلفام و همکاران (۱۳۹۱) نیز به بررسی فضای معنایی فعل شدن با رویکردی شناختی پرداخته‌اند.

گندمکار (آماده انتشار)، در مقاله‌ای، به ناکارآمدی رویکرد رده‌شناسی واژگانی در تبیین چندمعنایی فعل «خوردن» می‌پردازد و ضمن اشاره به سی‌ونه معنای فعل خوردن می‌آورد که در بین این معانی، در سی‌ویک مورد، خوردن در معنای اصلی «جویدن و سپس فروبردن مواد غذایی از راه دهان و گلو و بلعیدن آن» به کار نرفته است. در نتیجه، وی با اشاره به گفته راس^۱ (۱۹۸۱: ۳۳) که «درک معانی ... برحسب مناسبت واژه‌های تشکیل‌دهنده جمله صورت می‌گیرد»، نتیجه می‌گیرد که هیچ واژه‌ای در هیچ زبانی نمی‌تواند از چندمعنایی برخوردار نباشد و این چندمعنایی حاصل همشینی با سایر واژه‌های جمله است. البته این ادعای ایشان در انتهای مقاله که «هر واژه‌ای می‌تواند با توجه به موقعیت‌های مختلف در انواع جملات، از بی‌نهایت معنی واژگانی مختلف برخوردار باشد ...» جای بحث دارد.

کریمی‌دوستان و روحی بایگی (آماده انتشار) به بررسی چندمعنایی فعل سبک زدن با استفاده از سازوکارهای شناختی، از جمله مقوله‌بندی، استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری، پرداخته‌اند. در میان پژوهش‌های پیشین، تنها موسوی و همکاران (آماده انتشار) به بررسی واژه دیدن در چارچوب معناشناسی قالبی پرداخته‌اند و چندمعنایی فعل دیدن را با توجه به قالب‌های متعددی که این فعل در آنها تحقق می‌یابد توضیح داده‌اند.

در این پژوهش، پس از معرفی بنیان‌های این دیدگاه و پژوهش‌های پیشین، سعی کرده‌ایم تا با به‌کارگیری معناشناسی قالبی به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱- چه تفاوتی بین فعل‌های مختلفی که به انواع مختلف خوردن اشاره می‌کنند وجود دارد؟

۲- قالب‌های مختلف فعل خوردن چیست؟

۳- آیا این قالب‌ها برای تبیین باهم‌آیی‌های شامل خوردن قابل استفاده‌اند؟

۲- مبانی نظری

پتروک^۱ (۱۹۹۶) قالب را نظامی از مفاهیم می‌داند که برای درک هر کدام از این مفاهیم نیاز به فهم کل نظام است و با اشاره به هر کدام از مفاهیم، همه آنها فعال می‌شوند. وی می‌گوید: «در معناشناسی قالبی، هر کلمه مقوله‌ای از تجربه را بازنمایی می‌کند» (۱۹۹۶: ۱) و مفهوم قالب را مستقیماً در قالب‌های حالت^۲ فیلمور (۱۹۸۶) و دستور حالت^۳ می‌توان یافت.

به نظر دبیرمقدم (۱۳۷۸)، پس از اینکه چامسکی نیاز به مفهومی به مراتب انتزاعی‌تر، نظیر «نقش معنایی» از مفهوم روساختی «فاعل دستوری» و مفهوم ژرفساختی «فاعل منطقی» را مطرح کرد، فیلمور در دستور حالت تلاش کرد این مفهوم انتزاعی را، با بررسی نقش‌های معنایی که او آنها را حالت^۴ نامید، بررسی کند. وی (۱۳۷۸) می‌گوید: «فیلمور در مقاله ۱۹۶۹ ادعا کرده حالت‌ها، مفاهیم همگانی و احتمالاً ذاتی هستند و عبارتند از قضاوت‌هایی که انسان‌ها دربارهٔ حوادثی که در اطرافشان رخ می‌دهد ابراز می‌دارند» و عبارتند از عاملی/کنادی^۵، تجربه‌گر^۶، وسیله‌ای^۷، پذیرا^۸، تحقیقی^۹، مکانی^{۱۰}، زمان^{۱۱}، مبدأ^{۱۲}، مقصد^{۱۳}، همراهی^{۱۴}، بهره‌وری^{۱۵} و نیرو^{۱۶}. فیلمور (۱۹۶۹) می‌گوید در واژگان در مدخل هر فعل نوع یا انواع «قالب حالتی»، که آن فعل می‌تواند در آن ظاهر شود، مشخص شده است. برای مثال، وی به قالب‌های حالتی فعل open اشاره می‌کند. قالب‌های [-O]، [-O+A]، [-O+I]، [-O+I+A] مانند مثال‌های ۱ تا ۴ قالب‌های بیان شده در دبیرمقدم (۱۳۷۸) هستند.

- 1) The door opened
- 2) John opened the door
- 3) The wind opened the door
- 4) John opened the door with a chisel.

1. M. Petruck
2. case frame
3. case grammar
4. Case
5. Agentive
6. Experiencer
7. Instrumental
8. Patient

9. factive
10. locative
11. time
12. source
13. goal
14. companion
15. benefactor
16. force

البته پتروک (۱۹۹۶) در ادامه، به نقل از فیلمور (۱۹۸۲: ۱۱۵) به این نکته اشاره می‌کند که در دستور حالت، نقش‌های معنایی^۱ موضوع‌ها (آرگومان‌ها)^۲ هر گزاره برای بیان افعال یا بندها ضروری است و قالب‌های حالت، صحنه یا موقعیت کوچک انتزاعی را مشخص می‌کنند، به شکلی که برای فهم ساختار معنایی فعل ضروری است تا ویژگی‌های این صحنه‌های طرح‌واره‌ای^۳ فهمیده شوند.

یکی از مثال‌های معروف قالب، مربوط به قالب معامله تجاری است که عناصر آن شامل خریدار، فروشنده، کالاها و پول هستند. پتروک (۱۹۹۶) تفاوت عناصر قالب با نقش‌های معنایی دستور حالت را در این می‌داند که عناصر قالب دارای نقش‌های موقعیتی^۴ هستند. قالب یادشده با افعالی مانند خریدن، فروختن، پرداختن، خرج کردن، هزینه کردن و پول خواستن، به لحاظ معنایی مرتبط است که هر کدام جنبه یا بعدی از قالب را برمی‌انگیزند. برای مثال، فعل خریدن بر روی کالا و خریدار تمرکز می‌کند و فروشنده و پول را در پس‌زمینه قرار می‌دهد، در حالی که فعل فروختن بر فروشنده و کالا تمرکز دارد و خریدار و پول را در پس‌زمینه قرار می‌دهد. وی می‌گوید که دانستن معنای هریک از این افعال، نیازمند دانستن آنچه در معاملات تجاری انجام می‌شود است و دانستن معنای هریک از این افعال به معنای دانستن معنای تمام آنهاست. دانش و تجربه‌ای که به وسیله قالب معامله تجاری فراهم می‌شود، پیش‌زمینه و انگیزه برای مقوله‌هایی که به وسیله کلمات بازنمایی می‌شوند را فراهم می‌آورد. از جهت دیگر، کلمات، قالب را در ذهن گوینده/ شنونده برمی‌انگیزانند^۵ و مترجم به قالب گفته یا متنی که کلمات در آن رخ می‌دهند استناد می‌کند^۶.

پتروک (۲۰۱۳: ۱) به این نکته اشاره می‌کند که اخیراً فیلمور (۲۰۰۸)، با تغییری در دیدگاه، اولویت را به قالب داده است و نقش‌های معنایی را نسبت به قالب تعریف می‌کند (به عبارت دیگر، ابتدا قالب را در نظر می‌گیرد و سپس نقش‌های معنایی را با توجه به آن تعریف می‌کند). پتروک در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که پس از انتشار نتایج مطالعه گسترده

-
1. semantic role
 2. argument
 3. schematized scene
 4. situational role
 5. evoke
 6. invoke

فیلمور و اتکینز^۱ (۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) بر روی قالب خطر، زبان‌شناسان به اهمیت لغت‌نامه‌های قالب‌بنیان‌پی‌بردند و طرح‌های فراوانی برای ایجاد آنها آغاز شد. از جمله مهم‌ترین این طرح‌ها فریمنت برکلی^۲ است و به دنبال آن علاقه زیادی در بین متخصصان پردازش زبان طبیعی (NLP) برای ساخت واژگان‌ها و پرداختن به معناشناسی رایانشی پدید آمد. در این راستا طرح‌های شبکه‌ی قالبی اسپانیایی (سوبیراتس^۳ و پتروک^۴؛ ۲۰۰۳؛ سوبیراتس، ۲۰۰۹)، ژاپنی (اوهارا^۴ و همکاران، ۲۰۰۴؛ اوهارا، ۲۰۱۲)، آلمانی (بورخارت^۵ و همکاران، ۲۰۰۹) پیشرو بوده‌اند و شبکه‌های قالبی چینی (یو^۶ و همکاران، ۲۰۰۷)، پرتغالی (سالماو^۷، ۲۰۰۹)، سوئدی (بورین^۸ و همکاران، ۲۰۱۰ و a۲۰۱۰ و b۲۰۱۰)، ایتالیایی (لنسی^۹ و همکاران، ۲۰۱۰، جانسون^{۱۰} و لنسی^{۱۱} (۲۰۱۳) و فرانسوی^{۱۱} در مراحل ابتدایی‌اند و برای زبان‌های اسلونیایی (لونکر-رادمن^{۱۲} و همکاران ۲۰۰۸) و عبری (پتروک ۲۰۰۹) نیز برنامه ریزی‌هایی به عمل آمده است.

راسخ مهند (۱۳۸۹: ۷۰) می‌نویسد: فیلمور به اهمیت مطالعه‌ی معنای دائرةالمعارفی و بررسی شبکه‌ی معنایی هر واژه پرداخته است. وی هر قالب را طرحی از تجربه می‌داند که در حافظه‌ی بلندمدت وجود دارد. بنابراین درک معنای یک واژه یا ساخت دستوری، خارج از قالب معنایی، ممکن نیست و این قالب متشکل از عناصری است که حول یک تجربه جمع شده‌اند. هر قالب معنایی، دانشی است که برای درک معنای واژه‌های خاص یا واژه‌های مرتبط لازم است. برای مثال، برای درک واژه‌های خرید، فروش، قیمت، تخفیف و تعویض نیازمند دانستن قالب معنایی بازار هستیم. در این قالب واژه‌ها دارای معنا هستند.

باتوجه به اینکه ازمنظر شناختی صورت و معنا دو روی یک سکه هستند، هر قالب متشکل از اطلاعات نحوی، معنایی و کاربردشناختی است که باتوجه به این اطلاعات بین آنچه به‌عنوان واژه‌های چندمعنا می‌شناسیم، می‌توان به‌صورت نظام‌مند تمایز ایجاد کرد. در معناشناسی قالبی و شبکه‌ی قالبی حرکت از داده‌های واقعی به سمت کشف اطلاعات نحوی و معنایی است. به‌عبارت دیگر، ابتدا رخدادهای واژه‌ها در جملات واقعی که از منابعی مانند پیکره‌ها استخراج

1. B. T. Atkins
2. Berkeley Framenet
3. C. Subirats- Rugeberg
4. K. H. Ohara
5. A. Burchardt
6. L. You

7. M. M. M. Salomao
8. L. Borin
9. A. Lenci
10. M. Johnson
11. <https://sites.google.com/site/anrasfalda>
12. B. Lönneker-Rodman

می‌شود و در قالب‌های مختلف ظاهر می‌شوند استخراج و سپس اطلاعات نحوی و معنایی در آنها مشخص می‌شوند.

۳- روش پژوهش

با استفاده از فرهنگ روز سخن (انوری، ۱۳۸۳) و فارس‌نت (شمس فرد و همکاران، ۲۰۱۰)، تمام واژه‌هایی که در قالب فروردین مواد از طریق دهان و مری و به معده فرستادن برای کسب انرژی قرار می‌گرفتند، استخراج شدند. سپس با استفاده از منابعی مانند پیکره همشهری، کتاب‌های الکترونیکی، وبلاگ‌ها و منابع قابل جستجو با رایانه و جملات ثبت شده توسط دانشجویان از محاوره‌های روزانه، رخداد‌های مختلف خوردن استخراج شد. پس از بررسی داده‌ها براساس دیدگاه فیلمور، قالب‌هایی که «خوردن» در آنها آمده‌اند مشخص شدند.

۴- تحلیل داده‌ها

نکته‌ی قابل توجه آن است که آیا نقش‌های معنایی‌اند که به قالب شکل می‌دهند یا قالب است که در درون آن نقش‌های معنایی تعریف می‌شوند. با توجه به آنچه در قسمت مبانی نظری و به نقل از پتروک (۲۰۱۳: ۱) آمد، فیلمور (۲۰۰۸) با تغییری در دیدگاه، اولویت را به قالب داده است و نقش‌های معنایی را با توجه به قالب تعریف می‌کند (به عبارت دیگر، ابتدا قالب را در نظر می‌گیرد و سپس نقش‌های معنایی را با توجه به آن تعریف می‌کند). به نظر می‌رسد این نکته در پژوهش موسوی و همکاران (آماده انتشار) لحاظ نشده است و آنها از نقش‌های دستوری برای یافتن قالب استفاده کرده‌اند، همان‌طور که می‌آورند: در مرحله اول، برای یافتن این قالب معنایی، لازم است نقش‌های معنایی را بررسی کنیم (موسوی و همکاران: ۷). اما به نظر می‌رسد قالب و نقش‌های معنایی رابطه دوطرفه دارند. به عبارت دیگر، نقش‌های معنایی هویت خود را از قالب و قالب موجودیت خود را از نقش‌های معنایی می‌گیرد و این دو را همزمان باید در نظر گرفت.

برای تحلیل، در ابتدا به مقایسه فعل «خوردن» و افعال دیگری که در قالب گذاشتن چیزی در دهان و به معده فرستادن آن برای کسب انرژی قرار می‌گیرند، به عنوان قالب اولیه (نمونه اعلا) پرداخته شد تا تفاوت‌های آنها معین شود. با توجه به قالب یادشده، نقش‌های معنایی

کنش‌گر که فرد یا جانور دارای اراده است و کنش‌پذیر که بر روی آن به‌وسیله کنش‌گر عمل «فروبردن» اتفاق افتاده است یا می‌افتد و مسلماً تحت تأثیر قرار می‌گیرد، در همهٔ رخدادهای این قالب دیده شد. با توجه به انجام عمل با اندام‌هایی مانند دهان و دندان و زبان که به‌صورت ارادی توسط کنش‌گر مورد استفاده قرار می‌گیرند، این فرایند «کنشی» است. این قالب در زبان فارسی با استفاده از افعالی مانند خوردن، بلعیدن، قورت‌دادن، فرودادن، لمباندن، میل‌کردن، صرف‌کردن، استفاده‌کردن و مصرف‌کردن تحقق می‌یابد.

تفاوت افعال خوردن و بلعیدن در این است که اولی همراه با جویدن و کم‌کم به داخل مری و معده فرستادن است ولی دومی نیاز زیادی به جویدن ندارد و کنش‌پذیر یک‌جا و نه به‌صورت تکه‌تکه به داخل مری و معده فرستاده می‌شود و این نکته با افزودن «یک‌جا» به جملات ۱ و ۲ مشخص‌تر می‌شود.

۱- او غذا را یک‌جا خورد^۱.

۲- او غذا را یک‌جا بلعید.

تفاوت قورت‌دادن با خوردن و بلعیدن به‌لحاظ سبکی است. قورت‌دادن سبکی غیررسمی دارد، درحالی‌که افعال خوردن و بلعیدن رسمی هستند. تفاوت فرودادن با بلعیدن در نبود دقت است که معمولاً به‌صورت ناگهانی رخ می‌دهد. لمباندن با خوردن این تفاوت را دارد که معمولاً مؤدبانه نیست، درحالی‌که میل‌کردن عنصر ادب را بیشتر در خود دارد. افعال صرف‌کردن، استفاده‌کردن و مصرف‌کردن افعال شاملی هستند که خوردن را می‌توان نوعی از آنها دانست و به‌عبارت دیگر، زیرشمول آنهاست. صرف‌کردن سبک ادبی‌تری نسبت به استفاده‌کردن و مصرف‌کردن دارد. جدول ۱ عناصر قالب فروبردن مواد از طریق دهان و مری و به‌معدده‌فرستادن را نشان می‌دهد.

۱- البته یک‌جا می‌تواند به‌معنای در یک وعده باشد که متفاوت از مفهوم با یک حرکت است که در اینجا منظور است.

جدول ۱- عناصر قالب گذاشتن چیزی در دهان و به‌معدده‌فرستادن آن

مثال	شمول	جویدن	سبک	دقت	یکجا	ارادی	
او غذا را خورد.		*	خنثی				خوردن
مار بوا پس از شکار، طعمه را می‌بلعد.			رسمی		*		بلعیدن
لقمه‌ها را تندتند قورت داد.			غیررسمی		*		قورت‌دادن
با فرودادن ناگهانی یک تکه از اسباب بازی دچار حالت خفگی شد.			رسمی	خیر	*		فرودادن
تا توانستند لمبانی‌ندند.		*	غیرمؤدبانه				لمبانی‌دن
بفرمایید از این هم میل کنید.		*	ادبی				میل‌کردن
برای صرف‌کردن غذا در رستوران متحمل هزینه سنگینی شد.	شامل	*	ادبی				صرف‌کردن
لطفاً غذاهای خود را خارج از رستوران استفاده کنید.	شامل	*					استفاده‌کردن
مصرف‌کردن تنقلات درحین حرکت اسباب بازی ممنوع است.	شامل	*					مصرف‌کردن

پس از بررسی افعالی که در یکی از قالب‌هایی که فعل خوردن در آن به‌کار می‌روند، به قالب‌های معنایی دیگری که فعل خوردن در آنها عضویت دارد می‌پردازیم. قالب‌های معنایی که فعل خوردن در آنها عضویت دارد، در زیر آورده شده‌اند. این قالب‌ها بعضاً با افعال دیگری نیز در زبان فارسی قابل بیان‌اند و تفاوت‌هایی مانند تفاوت‌های ذکرشده در جدول ۱ دارند که به‌دلیل محدودیت حجم مقاله، در این مقال قابل بررسی نیستند و در اینجا صرفاً به فعل خوردن و ۲۶ قالب معنایی آن پرداخته می‌شود:

۱- قالب معنایی: گذاشتن چیزی در دهان و به‌معدده‌فرستادن آن برای کسب انرژی: او میوه را نشسته خورد.

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی یا کسی را (مفعول) خوردن (فعل)
نوع فعل:	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) دستگاه گوارش

در این قالب معنایی که خوردن در آن فعلی کنشی است، نقش‌های معنایی دستگاه گوارش، کنش‌گر و کنش‌پذیر ضروری‌اند و معمولاً رابطه یک طرفه است (کنش‌گر کنش‌پذیر را می‌خورد). البته در این قالب، کنش‌پذیر بر اثر فرایند خورده‌شدن که شامل تماس با اجزای دستگاه گوارش است، نابود می‌شود و یا به‌کلی تغییر ماهیت می‌دهد ولی کنش‌گر از این کنش لذت یا منفعت می‌برد که این نفع غالباً به‌صورت کسب انرژی کنش‌گر از کنش‌پذیر است. این عمل با حرکت اندام‌هایی مانند دهان و فک و زبان همراه است.

۲- قالب معنایی: آسیب دیدن: اون همیشه توی دعوا می‌خوره.

ساخت دستوری	کسی (مفعول) در دعوا(رویداد) خوردن (فعل)
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) ضربه

در این قالب معنایی، نوع فعل کنشی است که برای تحقق این کنش نقش‌های معنایی کنش‌گر، کنش‌پذیر و ضربه ضروری‌اند. تفاوت رابطه کنش‌گر و کنش‌پذیر در این قالب با قالب ۱ این است که در این قالب ضربه، رابطه‌ای بیرونی و معمولاً دوطرفه است. اما از جهت دیگر در این قالب نیز مانند قالب ۱ کنش‌پذیر دچار ضرر می‌شود و آسیب می‌بیند (البته آسیب و ضرر، گاهی بدنی و گاهی کلامی و روحی است).

۳- قالب معنایی: همسان و هماهنگ بودن: لباسش به کراواتش نمی‌خوره.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) به چیزی (متمم) خوردن (فعل)
نوع فعل	ادراکی دوجانبه
نقش معنایی	الف) ادراک‌شده اول
	ب) ادراک‌شده دوم
	ج) ادراک‌کننده اول
	د) ادراک‌کننده دوم

در این قالب، فعل از نوع ادراکی است که در آن نقش‌های معنایی ادراک‌شده اول، ادراک‌شده دوم، ادراک‌کننده اول و ادراک‌کننده دوم وجود دارند. معمولاً ادراک‌کننده اول، رابطه تناسب بین ادراک‌شده اول و ادراک‌شده دوم را متفاوت از ادراک‌کننده دوم در نظر گرفته است و به نظر ادراک‌کننده دوم آن دو تناسب ندارند. شاید این قالب به نوعی توسعه معنایی از قالب ۱ باشد که در آن بعضی از خوراکی‌ها برای بعضی از کنش‌گرها قابل خوردن نیستند و بنابراین آنها نمی‌توانند آن را در دستگاه گوارش خود هضم کنند. مانند اسب گوشت نمی‌خوره.

۴- قالب معنایی: باعث ناراحتی پوست شدن: لباسش بدنش را می‌خوره.

ساخت دستوری	لباس (فاعل) بدن (مفعول) را خوردن
نوع فعل	رویدادی
نقش معنایی	الف) اثرگذار
	ب) اثرپذیر
	ج) سایش

در این قالب معنایی که فعل آن از نوع رویدادی است نقش‌های اثرگذار، اثرپذیر و سایش مورد نیاز هستند. در این قالب به نظر می‌رسد از استعاره «خورده شدن نابودی است» استفاده شده است که در آن بدن در اثر تماس دچار سایش و از بین رفتن می‌شود، همان‌طور که خورده شده (معمولاً غذا) با ساییده شدن به وسیله دندان‌ها و هضم شدن از بین می‌رود.

۵- قالب معنایی: برخورد کردن: یواش برو وگرنه می‌خوری به ماشین جلویی.

ساخت دستوری	کسی یا چیزی (فاعل) به کسی یا چیزی (مفعول) خوردن
نوع فعل	رویدادی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) برخورد

این قالب که نوع فعل آن رویدادی است، شامل سه نقش معنایی کنش‌گر، کنش‌پذیر و برخورد است. در این قالب تماس منجر به نابودی یا خرابی کنش‌گر و کنش‌پذیر می‌شود.

۶- قالب معنایی: مصرف کردن: ظرف دو روز خرجی یک ماه را خورد. یا کل حقوقات را بیخودی خوردی، رفت (گندمکار، ۱۰).

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خوردن (فعل)
نوع فعل	رویدادی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) پول

این قالب معنایی که فعل خوردن در آن از نوع رویدادی است، باتوجه به اینکه منجر به استهلاک خاصیت و مصرف انرژی موجود در کنش‌پذیر و در نتیجه از بین رفتن کنش‌پذیر می‌شود، با قالب ۱ مرتبط است.

۷- معنایی: قطع کردن: این دو خط هیچ‌گاه به هم نمی‌خورند، چون موازی‌اند.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) به چیزی (متمم) خوردن
نوع فعل	ذهنی دوجانبه
نقش معنایی	الف) شکل موجود اول
	ب) شکل موجود دوم
	ج) نقطه برخورد

این قالب که نوع فعل آن ذهنی دوجانبه و مستلزم نقش‌های معنایی شکل موجود اول و دوم و نقطه برخورد است، باتوجه به جنبه تماس و برخورد به قالب ۱ مرتبط است.

۸- قالب معنایی: مصرف کردن سوخت: این ماشین خیلی بنزین می خوره.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) چیزی را (مفعول) خوردن (فعل)
نوع فعل	عملکردی
نقش معنایی	الف) موجود اول
	ب) موجود دوم
	ج) نیستی

این قالب که نوع فعل آن را عملکردی می‌توان گذاشت، با توجه به این نکته که خوردن چیزی، معادل مصرف انرژی و نابودی آن است با قالب ۱ مرتبط است.

۹- قالب معنایی: نوشیدن و آشامیدن: آب می‌خوری یا شربت؟

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خوردن
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) دستگاه گوارش
	د) مایعات

این قالب، یک ویژگی به قالب ۱ می‌افزاید و آن این است که کنش‌پذیر باید ویژگی مایع بودن را داشته باشد.

۱۰- قالب معنایی: پول یا مال کسی را تصاحب کردن و مالکیت آنها را از بین بردن: یارو مال بچه‌ها را خورد و رفت.

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خورد
نوع فعل	رفتاری
نقش معنایی	الف) مالک اول
	ب) مالک دوم
	ج) مال

این قالب با توجه به نوع فعل آن که رفتاری را نشان می‌دهد، نقش‌های معنایی مالک اول و مالک دوم و مال را در خود دارد که می‌توان ارتباط آن را با قالب ۱ در ازبین‌بردن و نابودکردن مالکیت اول در نظر گرفت.

۱۱- قالب معنایی: فرسودن و ازبین‌بردن: اسید آهن را خورد.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) چیزی را (مفعول) خوردن
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر بیجان
	ب) کنش‌پذیر
	ج) نابودی

در این قالب که فعل آن از نوع کنشی است کنش‌گر بیجان منجر به فرسایش و نابودی تدریجی کنش‌پذیر می‌شود.

۱۲- قالب معنایی: جای‌گرفتن یا جفت‌شدن دو قطعه در یکدیگر: این کلید به قفل می‌خورد.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) به چیزی (متمم) خوردن
نوع فعل	رویدادی
نقش معنایی	الف) عامل اول
	ب) عامل دوم
	ج) هماهنگی

در این قالب نوع فعل رویدادی است و نقش‌های معنایی عامل اول و دوم و هماهنگی در آن موجود است که بسیار شبیه به قالب ۳ است (البته نقش‌های معنایی آنها متفاوت است) و همانند آن، به نظر می‌رسد که قابل‌استفاده‌بودن یک عامل برای عاملی دیگر، مانند قابلیت استفاده یک نوع غذا برای یک کنش‌گر، به هماهنگی بین آن دو بسط یافته و با خوردن بیان شده است.

۱۳- قالب معنایی: فروخوردن و خودداری از ابراز احساس: رضا خشمش را خورد.

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خورد
نوع فعل	احساسی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) عمل
	ج) احساس
	د) عدم بروز

در این قالب که نوع فعل احساسی است، کنش‌گر مانع بروز عملی می‌شود. این قالب با توجه به اینکه عامل به پنهان کردن عملی اقدام می‌کند، منجر به نابودی آن عمل، مانند بروز خشم، می‌شود و با قالب ۱ قابل ارتباط است.

۱۴- قالب معنایی: با هوس و لذت به کسی نگاه کردن: بچه این‌قدر قشنگ بود که می‌خواست بخوردش. یا با نگاه می‌خواست بخوردش.

ساخت دستوری	کسی (فاعل) کسی را (مفعول) خورد
نوع فعل	رفتاری
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) لذت

این قالب معنایی که نوع فعل آن رفتاری است، شامل نقش‌های معنایی کنش‌گر، کنش‌پذیر و لذت است و با توجه به اینکه در قالب ۱ کنش‌گر از کنش خود لذت می‌برد، با آن قابل مقایسه است.

۱۵- قالب معنایی: داشتن چیزی به‌عنوان جزء وابسته و به‌کاررفتن آن: جلو لباسش دکمه می‌خورد.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) در جایی (متمم) خوردن
نوع فعل	وجودی
نقش معنایی	الف) عامل بیجان اول
	ب) عامل بیجان دوم
	ج) قراردادن

در این قالب معنایی، نوع فعل وجودی است.

۱۶- قالب معنایی: فایده‌بردن: او روی هر لباس ده هزار تومان می‌خوره.

ساخت دستوری	کسی (فاعل) روی چیزی (متمم) چیزی (مفعول) خوردن
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) مبلغ سود

این قالب که نوع فعل آن کنشی است، با توجه به اینکه کنش‌گر از عمل خود منفعت می‌برد، قابل مقایسه با قالب ۱ است و از آن جهت که مالکیت را تغییر می‌دهد و منجر به تصاحب پول کسی می‌شود، به قالب ۱۰ شباهت دارد، هر چند ساخت دستوری آن متفاوت است.

۱۷- قالب معنایی: مورد اصابت قرار گرفتن: پایش تیر خورد.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) چیزی (مفعول) خورد
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌پذیر
	ب) تیر

در این قالب معنایی فعل از نوع کنشی است و می‌توان جمله آن را به صورت «تیر به پایش خورد» نوشت و آن را می‌توان به این نحو که خوردن مفهوم آسیب‌رساندن یا نابودکردن را دارد با قالب ۱ مقایسه کرد.

۱۸- قالب معنایی: راه‌داشتن و منتهی‌شدن: این خیابون به بازار می‌خوره. یا مسیرم به مسیرتان می‌خوره؟

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) به چیزی (متمم) خورد
نوع فعل	ارتباطی
نقش معنایی	الف) مکان اول
	ب) مکان دوم
	ج) نقطه مشترک

این قالب با توجه به اینکه بین خوراکی و کنش‌گر باید هماهنگی باشد و با آن تناسب داشته باشد، قابل مقایسه با قالب ۱ است اما در این قالب دو مکان جایگزین خوراکی و کنش‌گر شده‌اند.

۱۹- قالب معنایی: قابلیت و تحمل داشتن: تا می‌خورد، زدمش.

ساخت دستوری	تا کسی (مفعول) خورد، زدن
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌پذیر
	ب) ضربه

این قالب که نوع فعل آن کنشی است، به این لحاظ که اشاره به ورود کنش‌پذیر (خوراکی) به بدن کنش‌گر (خورنده) می‌کند، با قالب ۱ مرتبط است اما کنش‌گر به جای ورود خوراکی به بدن، ضربات وارد شده از فردی دیگر را به بدن خود وارد کرده است مانند جملهٔ «تا بچه می‌خورد، غذا بهش دادم».

۲۰- قالب معنایی: در تماس قرار گرفتن با اندامی حسی و حس کردن: تا به حال چنین بویی به دماغم نخورده.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) به چیزی (مفعول) خورد
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) ادراک‌شده
	ب) اندام ادراک‌کننده
	ج) تماس

این قالب تماس را بین اندام حسی و بو نشان می‌دهد و از جهت تماس خوراکی با دستگاه گوارشی با قالب ۱ ارتباط دارد.

۲۱- قالب معنایی: نتیجه و عاقبت عمل بدی را دیدن: هرچه بهت می‌گم نپراز بلندی. خوب خوردی!

ساخت دستوری	خورد
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) مانع
	ج) صدمه

ارتباط این قالب با قالب ۱ این است که با خوردن، کنش‌گر باعث صدمه به خوراکی می‌شود و در این قالب بین کنش‌گر و مانع تماس ایجاد می‌شود و کنش‌گر صدمه می‌بیند.

۲۲- قالب معنایی: مواجه‌شدن: تند برو به چراغ قرمز نخوری.

ساخت دستوری	... به چیزی (متمم) خورد
نوع فعل	رویدادی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) مواجه‌شدن

این قالب از جهت روبروشدن و مواجه‌شدن با چراغ مانند خوردن در قالب ۱ است.

۲۳- قالب معنایی: مقارن‌شدن: عید قربان خورده به جمعه.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) خورد به چیزی (متمم)
نوع فعل	رویدادی
نقش معنایی	الف) زمان اول
	ب) زمان دوم
	ج) مقارن‌شدن

این قالب با توجه به تماس یا، به عبارت دقیق‌تر، همزمانی دو رویداد که مانند تماس خوراکی با دستگاه گوارش است، با قالب ۱ مرتبط است. تفاوت آن با قالب ۲۲ این است که در این قالب طول زمان که دارای نقش معنایی است متفاوت از زمان در آن قالب است.

۲۴- قالب معنایی: روح کسی را آزدن: این خبر داره اونو می‌خوره.

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) کسی را (مفعول) خورد
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) عامل بیجان
	ب) کنش‌پذیر
	ج) اذیت‌کردن

این قالب باتوجه به اینکه در قالب ۱ طی خوردن، کنش‌پذیر نبود می‌شود به آن قالب نزدیک است. این قالب می‌تواند استعاره‌ای از خوردن آهن در تماس با جسمی سخت‌تر یا تکه آهن دیگری باشد.

۲۵- بیان‌نکردن: تا منو دید، حرفش رو خورد.

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خورد
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌گر
	ب) کنش‌پذیر
	ج) کلمات

این قالب، به‌واسطه اینکه در قالب ۱ خوردن باعث نابودی کنش‌پذیر می‌شود به آن شباهت دارد ولی موجودیتی انتزاعی (حرف و سخن) جای خوراکی را به خود اختصاص داده است.

۲۶- در معرض چیزی قرار دادن: لباس‌ها رو پهن کن بیرون، آفتاب بخورند.

ساخت دستوری	چیزی (مفعول) چیزی خورد
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	الف) کنش‌پذیر
	ب) عامل بیجان
	ج) تماس

این قالب به واسطه این که در قالب ۱ کنش‌پذیر (خوراکی) باید در معرض تماس با دستگاه گوارش قرار گیرد و در این قالب لباس باید در معرض تماس با آفتاب قرار بگیرد با آن قالب ارتباط دارد.

۵- به‌کارگیری قالب‌ها در تبیین

اگر باهم‌آیی‌هایی که با کمک «خوردن» ساخته می‌شوند را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان با کمک قالب‌های ارائه‌شده و ارتباط آنها به تبیین کارکرد برخی از این کاربردها پرداخت، هرچند بسیاری از این باهم‌آیی‌ها را نمی‌توان با کمک قالب‌های فعلی تبیین کرد.

در باهم‌آیی‌هایی مانند غصه‌خوردن، حرص‌خوردن، گول‌خوردن، افسوس‌خوردن، حسرت‌خوردن و محک‌خوردن به‌نظر می‌رسد که خوردن در قالب «درمعرض‌قرارگرفتن» به‌کار گرفته شده است، البته در معرض مفاهیمی انتزاعی مانند غصه و حرص و گول و... که متفاوت است از قالب آفتاب‌خوردن که در معرض مفهوم ملموس «آفتاب» قرار گرفته است.

در باهم‌آیی‌هایی مانند زمین‌خوردن، توسری‌خوردن و تودهنی‌خوردن، قالب «تماس‌پیداکردن» برای خوردن مناسب است که این تماس خوشایند نیست.

در باهم‌آیی‌هایی مانند مهر‌خوردن، تمبر‌خوردن، خط‌خوردن، رنگ‌خوردن و خاک‌خوردن نیز قالب «تماس‌پیداکردن» برای خوردن به‌کار برده شده است اما این تماس خنثی است.

در باهم‌آیی‌هایی مانند ترک‌خوردن، قاچ‌خوردن و جر‌خوردن به‌نظر می‌رسد قالب «آسیب‌دیدن» برای خوردن قابل به‌کار بردن است، به‌عبارت دیگر، ترک‌خوردن را به مفهوم «آسیب‌دیدن ناشی از ترک» می‌توان تفسیر کرد.

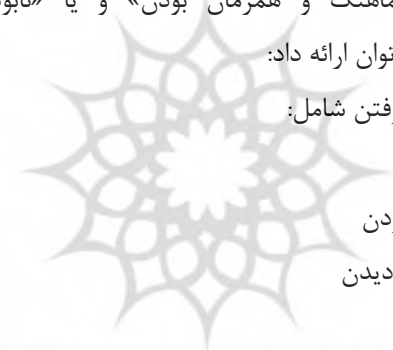
در باهم‌آیی‌هایی مانند تکان‌خوردن، وول‌خوردن، تلو‌تلو‌خوردن، قل‌خوردن و غوطه‌خوردن شاید خوردن به نحوه حرکت اشاره دارد. به این دلیل که در قالب ۱ خوردن در خود حرکت اندام‌ها در جای خود را القا می‌کند و در این افعال نیز به‌نظر می‌رسد تکان‌خوردن معادل با حرکت به‌شکل تکان یا وول‌خوردن، معادل حرکت به‌شکل وول است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های دارای فعل خوردن منجر به یافتن ۲۶ قالب شد که در پاسخ به سؤال اول پژوهش که چه تفاوتی بین فعل‌های مختلفی که به انواع مختلف خوردن اشاره می‌کنند وجود دارد، و سؤال دوم که قالب‌های مختلف فعل خوردن چیست، می‌توان به تفاوت‌های دستوری و معنایی این قالب‌ها اشاره کرد که رخداد خوردن در آنها قابل مشاهده است. البته هر قالب ممکن است با افعال دیگری نیز قابل بیان باشد، همان‌طور که قالب ۱ با هشت فعل دیگر نیز (بلعیدن، قورت‌دادن، فرودادن، لمباندن، میل‌کردن، صرف‌کردن، استفاده‌کردن و مصرف‌کردن) البته با تفاوت‌های نحوی قابل بیان بود.

تعدادی از این ۲۶ قالب ذکرشده را می‌توان زیرشمول قالب‌های کلی‌تر دیگری مانند قالب «درتماس‌قرارگرفتن» یا «هماهنگ و همزمان بودن» و یا «نابودکردن» برشمرد. این تقسیم‌بندی را به شکل زیر می‌توان ارائه داد:

الف- قالب درتماس‌قرارگرفتن شامل:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ب- قالب هماهنگی و همزمانی

۱. قالب ۷ قطع کردن
 ۲. قالب ۲۰ تماس و حس کردن
 ۳. قالب ۲۱ عاقبت عملی را دیدن
 ۴. قالب ۲۲ مواجه شدن
 ۵. قالب ۲۶ در معرض قرار دادن
۱. قالب ۳ همسان و هماهنگ بودن
 ۲. قالب ۱۲ جفت شدن دو قطعه
 ۳. قالب ۱۸ راه داشتن و منتهی شدن
 ۴. قالب ۱۹ قابلیت تحمل داشتن
 ۵. قالب ۲۳ مقارن شدن

ج- قالب نابودی

۱. قالب ۱ به‌معهده‌فرستادن و کسب انرژی
۲. قالب ۲ آسیب‌دیدن
۳. قالب ۴ باعث ناراحتی پوست‌شدن
۴. قالب ۵ برخوردکردن
۵. قالب ۶ مصرف‌کردن
۶. قالب ۸ مصرف‌کردن سوخت
۷. قالب ۹ نوشیدن و آشامیدن
۸. قالب ۱۰ مال کسی را تصاحب‌کردن
۹. قالب ۱۱ فرسودن
۱۰. قالب ۱۳ خوداری از ابراز احساسات
۱۱. قالب ۱۷ مورد اصابت قراردادن
۱۲. قالب ۲۴ روح کسی را آزردن
۱۳. قالب ۲۵ بیان‌نکردن

نکته مهم این است که قالب‌های یادشده، به‌نحوی از قالب ۱ منشعب شده‌اند و به این لحاظ می‌توان آن را قالب اعلا نامید که منشأ شکل‌گیری قالب‌های دیگر است. سؤال سوم پژوهش این بود که آیا این قالب‌ها برای تبیین باهم‌آیی‌های شامل فعل خوردن، قابل استفاده‌اند؟ بررسی برخی از این باهم‌آیی‌های شامل خوردن، براساس قالب‌های ذکرشده، نشان داد می‌توان برخی از آنها را تبیین کرد. نکته دیگری که نیاز به بررسی دارد، مربوط به شکل‌گیری باهم‌آیی‌ها است و آن این است که آیا در ابتدا قالب‌های دیگر یادشده برای فعل خوردن شکل گرفته است و بعد این قالب‌ها در ساخت باهم‌آیی‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند یا روند به‌شکل دیگری بوده است. آنچه در این پژوهش به‌صورت فرض لحاظ شده است، این است که ابتدا این قالب‌ها برای فعل خوردن به‌صورت منفرد ایجاد شده‌اند و سپس باهم‌آیی‌ها شکل گرفته‌اند. این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد که در این مقال نمی‌گنجد و در پژوهش‌های آینده قابل بررسی است.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن. تهران: انتشارات سخن.
- حسابی، اکبر (۱۳۹۴). «واژه‌های ویژه زبان فارسی: خلأهای موجود در انطباق واژگانی فارسی‌نت با شبکه واژگانی پریستون (وردنت)». جستارهای زبانی. ۶، ش ۶. ویژه‌نامه زمستان: ۱۰۳-۷۵.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۸). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: انتشارات سخن.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عموزاده، محمد و فاطمه بهرامی (۱۳۹۱). «ساخت افعال سبک براساس زبان‌شناسی شناختی». جستارهای زبانی. ۳۵، ش ۴ (۱۲): ۱۶۹-۱۹۱.
- عموزاده، محمد و رضا سلطانی (۱۳۹۱). «رویکردی شناختی به چندمعنایی: مطالعه موردی فعل حرکتی «آوردن»». مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی معناشناسی (به‌کوشش سپیده عبدالکریمی). تهران: نشر نویسه پارسی: ۲۵۶-۲۳۳.
- فیاضی، مریم سادات (۱۳۸۸). بررسی چندمعنایی در زبان فارسی، رویکردی شناختی. رساله دکتری منتشر نشده. دانشگاه تربیت مدرس.
- فیاضی، مریم سادات، عالیه کردزعفرانلو کامبوزیا، ارسلان گلفام، آریتا افراشی و فردوس آقاگل زاده (۱۳۸۷). «خاستگاه استعاری افعال حسی چندمعنا در زبان فارسی از منظر شناختی». مجله ادب پژوهی. ش ۶: ۱۱۰-۶۷.
- کریمی دوستان، غلامحسین، روحی بایگی، زهرا (آماده انتشار) بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» از دیدگاه شناختی. جستارهای زبانی.
- گلفام، ارسلان، سحر بهرامی خورشید، و آری ورهاگن (۱۳۹۱) «فضای معنایی فعل شدن در زبان فارسی: رویکردی شناختی». جستارهای زبانی. ۲۵، ش ۴ (۸): ۱۴۵-۱۶۷.
- گندمکار، راحله (آماده انتشار) «بررسی چندمعنایی فعل «خوردن»، نمونه‌ای از عدم کارایی رده‌شناسی واژگانی». جستارهای زبانی.

موسوی، سید حمزه، محمد عموزاده، و والی رضایی (آماده انتشار) «بررسی واژه «دیدن» براساس معناشناسی قالبی». جستارهای زبانی.

- Borin, L., D. Danélls, M. Forsberg, M. Toporowska Gronostaj, & D. Kokkinakis (2010a). "The past meets the present in Swedish FrameNet++". In *14th EURALEX International Congress*. Leeuwarden: EURALEX: 269-281.
- Borin, L., D. Dannélls, M. Forsberg, M. Toporowska Gronostaj, & D. Kokkinakis, D. (2010b). "Swedish FrameNet++". Paper Presented at *Swedish Language Technology Conference 2010*.
- Burchardt, A., K. Erk, A. Frank, A. Kowalski, S. Pado, & M. Pinkal (2009). "FrameNet for the semantic analysis of German: Annotation, representation and automation". In H. Boas (Ed.), *Multilingual FrameNets in computational lexicography*. Berlin: Mouton de Gruyter: 209-244.
- Fillmore, C. J. (1969). "Toward a modern theory of case". In D. A. Reibel and S. A. Schane (eds.), *Modern Studies in English*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, 361-375.
- Fillmore, C. J. (1982). "Frame semantics". In The Linguistic Society of Korea (ed.), *Linguistics in the Morning Calm*. Seoul: Hanshin, 111-137.
- Fillmore, C. J. (1986). "U-semantics, Second Round". *Quaderni di Semantica* 7. 1:49-58.
- Fillmore, C. J. (2008). "Merging frames". In R. Rossini Favretti (Ed.), *Frames, corpora and knowledge representation*. Bologna: Bononia University Press, 1-12.
- Fillmore, C. J., & B. T. Atkins (1992). "Towards a frame-based organization of the lexicon: The semantics of RISK and its neighbors". In A. Lehrer & E. Kittay (Eds.), *Frames, fields, and contrasts: New essays in semantic and lexical organization*. Hillsdale: Lawrence Erlbaum, 75-102.
- Fillmore, C. J., & B. T. Atkins (1994). "Starting where the dictionaries stop: The challenge of corpus lexicography". In B. T. Atkins & A. Zampolli (Eds.) *Computational approaches to the lexicon*. Oxford: Oxford University Press, 349- 393.

- Johnson, M., A. Lenci (2013). "Verbs of visual perception in Italian FrameNet". In M. Fried and K. Nikiforidou (eds.), *Advances in Frame Semantics*. Amsterdam/Philadelphia, Benjamins, 13-50.
- Lenci, A., M. Johnson, & G. Lapesa (2010). "Building an Italian FrameNet through semi-automatic corpus analysis". In *Proceedings of LREC 2010*. 19–21 May 2010, Valletta, Malta, 12-19.
- Lönneker-Rodman, B., C. Baker, & J. Hong, (2008). "The new FrameNet desktop: A usage scenario for Slovenian". In *Proceedings of ICGL 2008, The First International Conference on Global Interoperability for Language Resources*. Hong Kong, 147-154.
- Miller, G. (1998). *WordNet: an electronic lexical database*. Christiane Fellbaum (Ed.). MIT Press.
- Ohara, K. H., S. Fujii, S. Ishizaki, T. Ohori, H. Sato, & R. Suzuki (2004). "The Japanese FrameNet project: An introduction". In C. J. Fillmore et al. (Eds.), *Proceedings of the Fourth International Conference on Language resources and Evaluation Post-Conference Workshop on Building Lexical Resources from Semantically Annotated Corpora*. Lisbon: Portugal, 9-11.
- Ohara, K. H. (2012). "Japanese FrameNet: Toward construction building for Japanese". *Plenary Lecture at the 7th International Conference on Construction Grammar (ICCG7)*. Hankuk University of Foreign Studies, Seoul.
- Petruck, M. (1996). "Frame Semantics". In Östman J-O, J. Blommaert, C. Bulcaen (eds.), *Handbook of Pragmatics*. Amsterdam/Philadelphia, Benjamins, 1-13.
- Petruck, M. (2009). "Typological considerations in constructing a Hebrew FrameNet". In H. C. Boas (Ed.), *Multilingual FrameNet applications*. Berlin: Mouton de Gruyter, 183-208.
- Petruck, M. (2013). "Advances in Frame Semantics". In M. Fried and K. Nikiforidou (eds.), *Advances in Frame Semantics*. Amsterdam/Philadelphia, Benjamins, 1-12.
- Ross, J. F. (1981). *Portraying Analogy*. New York. Cambridge University Press.
- Salomao, M. M. M. (2009). "FrameNet Brasil: um trabalho em progresso". *Calidoscópio* 7, 171–182 (UNISINOS).
- Shamsfard, M. , A. Hesabi, H. Fadaei, N. Mansoory, A. Famian, S. Bagherbeigi, E. Fekri, & S. M. Assi (2010). "Semi-Automatic

- Development of FarsNet; The Persian WordNet”. *Proceedings of the Fifth Global WordNet Conference*, Mumbai, India, 413-418.
- Subirats-Ruggeberg, C. (2009). “Spanish FrameNet: A frame-semantic analysis of the Spanish lexicon”. In H. C. Boas (Ed.), *Multilingual FrameNet applications*. Berlin:Mouton de Gruyter, 135-162.
- Subirats--Ruggeberg, C. & Petruck, M. (2003). Surprise: Spanish FrameNet! In *Proceedings of the International Congress of Linguists, Praga*: <http://framenet.icsi.berkeley.edu/~framenet/papers/SFNsurprise.pdf>
- You L., T. Liu, & K. Liu (2007). “Chinese FrameNet data in semantic web language”. In *Proceedings of the Conference on Natural Language Processing and Knowledge Engineering*, 50–55.

